

تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها، گامی در جهت تمرکززدایی برنامه ریزی درسی در نظام آموزش عالی کشور

رضا نوروززاده: عضو هیات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشجوی دوره دکتری

برنامه ریزی درسی دانشگاه تربیت معلم

دکتر رضا محمودی: استادیار دانشگاه تربیت معلم

دکتر کورش فتحی واجارگاه: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

دکتر عبدالرحیم نوه ابراهیم: استادیار دانشگاه تربیت معلم

چکیده

آموزش عالی محور توسعه، موتور حرکت و تحول در جوامع مختلف است. چرا که آموزش عالی کانون اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده است. که می تواند با برخورداری از ایده ها و اندیشه های نو هر لحظه در شریان های حیاتی حرکت رو به رشد جامعه، بالقوه گی های نوینی را تزریق نماید. از این رو، نظام آموزش عالی - دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی که متولی امر تربیت نیروی انسانی هستند - طراح اصلی و بنیان افکن چارچوب اساسی برنامه ریزی رشد و پیشرفت جامعه محسوب می شود. برنامه های درسی از مهم ترین ابزار و عناصر تحقق بخشیدن به اهداف و رسالت های کلی آموزش عالی هستند. از این رو، برنامه درسی که قلب مراکز دانشگاهی به شمار می آید، شایسته توجه دقیق است. برنامه ریزی درسی بنا به سرشت خود متعلق به خود دانشگاه ها و دانشگاهیان است و نمی توان از بیرون از محیط دانشگاه و بالای سر آن ها به صورت متمرکز برای دانشگاه های مختلف با مقتضیات خاص خود، برنامه ریزی درسی مطلوب و کارآمدی کرد.

تمرکززدایی یکی از جلوه های بنیادین مدرن سازی تدریجی و مداوم و نیز اصلاح بخش عمومی است (آقازاده، ۱۳۸۴، ص ۹). از این رو تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها گامی در جهت تمرکززدایی برنامه ریزی درسی در نظام آموزش عالی کشور است.

در این مقاله تعاریف، مفاهیم، محاسن و معایب برنامه ریزی درسی متمرکز و غیرمتمرکز، تحولات برنامه ریزی درسی دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر تفویض اختیارات برنامه ریزی - درسی به دانشگاه ها و اقدامات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مورد بازنگری برنامه های درسی رشته های تحصیلی نظام آموزش عالی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی:

برنامه ریزی درسی، تمرکز، عدم تمرکز، آموزش عالی، دانشگاه.

Curriculum development, centralization, Decentralization – Higher Education – University.

مقدمه

در آستانه ورود به هزاره سوم، نهاد دانشگاه و آموزش عالی نظیر سایر نهادهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی برای مقابله خردمندانه با چالش‌ها و نیازهای پیش رو، به استقبال نوعی تجدیدحیات و تغییرات گسترده و متنوع در اهداف، وظایف و کارکردها رفته است.

نظام آموزش عالی ایران در پی تحولات دو دهه اخیر کشور و تغییرات وسیع ناشی از آن و هم چنین با پذیرش این اصل راهبردی که «مهم‌ترین مزیت نسبی در قرن آینده، دانش، اطلاعات» اساس پیشرفت و توسعه همه جانبه انسانی است، مأموریت‌های جدید را برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ترسیم کرده است. از این رو، تجدیدنظر و اصلاح در ساختار آموزش عالی^۱ برای ایفای نقش مؤثر در دانشگاه‌ها در تولید دانش و پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه امروز و فردای ایران به عنوان رویکردی نوین در مدیریت و برنامه ریزی آموزشی موردنظر مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی کشور قرار گرفته است. بدین ترتیب، آموزش عالی ایران نیز همگام با تحولات جهانی همواره کوشیده است تا در قالب اهداف، برنامه‌های پنج ساله توسعه به تقویت جایگاه نظام آموزش عالی کشور مبادرت ورزد و پاسخ‌گویی نیازهای گوناگون و نوین جامعه باشد.

براساس سیاست‌های برنامه سوم و چشم انداز برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (بند الف ماده ۵ راهکارهای اجرایی فصل آموزش عالی) به منظور حرکت در جهت نهادینه کردن مشارکت دانشگاه‌ها در مدیریت آموزش عالی، تمرکززدایی^۲ و ارتقای کیفیت آموزش عالی از سال ۱۳۷۹ اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های واجد شرایط (دارای هیأت ممیزه) وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شده است. برنامه‌های درسی که قلب مراکز دانشگاه‌ها به شمار می‌آید، آیینیه نقش‌ها و اهداف آموزش عالی هستند و شایسته توجه دقیق می‌باشد. برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزش عالی تاکنون دستخوش تغییرات زیادی بوده است.

در این مقاله، نگارندگان سعی بر آن دارند که موارد برشمرده در زیر را مورد مذاقه قرار دهند: کلیاتی درباره تعاریف و مفاهیم برنامه ریزی درسی متمرکز و غیرمتمرکز.

۱ - Higher Education Restructuring

۲ - Decentralization

تحولات برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی با تأکید بر آیین‌نامه اختیارات تفویض برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها.

اقدامات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در مورد بازنگری برنامه‌های درسی با همکاری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.

در پایان مقاله به مسایل و مشکلات موجود اشاره می‌شود و پیشنهادهایی برای حل آن‌ها ارائه خواهد شد.

تمرکز و عدم تمرکز برنامه ریزی درسی آموزش عالی^۱

برنامه‌درسی به عنوان حوزه جوان و نوپا که کم‌تر از یک‌صد سال از عمر آن می‌گذرد، یکی از چالش‌زاترین و بحث‌برانگیزترین حوزه‌های معرفت بشری است (فتحی واجارگاه، ۱۳۸۳، ص ۱). سابقه رویکردهای تمرکزگرایانه یا تمرکززدایی در قلمرو تخصصی برنامه‌درسی به نیمه دوم قرن بیستم بر می‌گردد. «از دهه ۱۹۵۰ میلادی در سراسر جهان، مراکز متعددی برای تولید برنامه‌های درسی و آموزشی شکل گرفت. در این مراکز عموماً از سوی صاحب‌نظران با تیم‌های کارشناسی حرفه‌ای، برنامه‌های درسی آموزشی تولید می‌شد. برنامه‌های درسی تهیه‌شده در این مراکز، عمدتاً منطبق بر موقعیت‌های واقعی کلاس درس بوده و آموزش‌دهندگان تنها به عنوان مصرف‌کننده برنامه مفاد مواد درسی تهیه شده بودند (سابار^۲، ۱۹۹۴، ص ۱۲۶۷).

در فاصله دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، ناکارآمدی برنامه‌درسی که به صورت متمرکز تهیه می‌شدند، مشخص گردید؛ در نتیجه، فرصت‌های ممکن برای برنامه‌های غیر متمرکز با محوریت مراکز آموزشی در فرایند برنامه‌ریزی درسی و مشارکت افراد و گروه‌های گوناگون در تصمیم‌گیری برنامه‌درسی صورت گرفت. در این رابطه می‌توان به دیدگاه‌های سابار که بر برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز تأکید دارد، اشاره نمود. سابار ضمن اشاره به عناصر چهارگانه برنامه‌درسی، ضرورت مشارکت آموزش‌دهندگان در تصمیم‌گیری مرتبط با هدف و روش آموزش را مورد تأکید قرار می‌دهد (سابار، ۱۹۹۷، ص ۱۲۷۸ - ۱۲۷۵).

۱. Centralization and Decentralization curriculum development higher education

۲. Sabar

باتوجه به موارد اشاره شده هر یک از انواع برنامه ریزی درسی متمرکز و غیر متمرکز تشریح می گردد:

الف) برنامه ریزی درسی متمرکز

تمرکز بدین مفهوم است که تصمیمات در سطح مرکزی صورت می گیرد (فرجاد، ۱۳۷۴، ص ۱۷۷). از این رو برنامه ریزی درسی متمرکز به آن نوع از برنامه های درسی که توسط یک گروه مشخص برای تعداد کثیری از افراد تدوین می شود، اطلاق می گردد (آل آقا، ۱۳۸۱، ص ۷۵). در نظام های برنامه ریزی درسی متمرکز، معمولاً فعالیت برنامه ریزی درسی به صورت انحصاری در وزارت یا در مؤسسات اختصاصی وابسته به آن انجام می شود. دخالت یا مشارکت ناچیز اعضای هیأت علمی در این فعالیت ها از طریق شرکت در کمیسیون ها یا گروه های برنامه ریزی - درسی است. گرایش غالب در برنامه ریزی درسی متمرکز این است که اعضای هیأت علمی انتقال دهنده و مجری برنامه ها باشند. در حالی که اعضای هیأت علمی، نقش حیاتی و مهمی در هرگونه تغییرات مرتبط با برنامه درسی ایفا می کنند. انجمن بین المللی تعلیم و تربیت در گزارش خود تحت عنوان برنامه ریزی درسی، اعلام کرده است که کنار گذاشتن آموزش دهندگان (معلم یا اعضای هیأت علمی) از جریان طراحی و ایجاد تغییرات در برنامه ریزی درسی نتیجه ای نخواهد داد؛ زیرا تغییرات واقعی با مشارکت آموزش دهندگان امکان پذیر است (ایزدی، ۱۳۸۳، ص ۹).

در نظام برنامه ریزی درسی متمرکز، تصمیم گیری امور مربوط به برنامه ریزی درسی در مرکز انجام می شود. تعیین هدف ها، خط مشی ها، تنظیم برنامه ها و شیوه های اجرایی به عهده سطوح مرکزی می باشد.

برنامه ریزی درسی آموزش عالی با ساختار متمرکز از ویژگی های زیر برخوردار است:

۱. برنامه ریزی درسی برای کل دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی به وسیله یک دستگاه مرکزی (وزارتخانه مربوط) تهیه و نظارت می شود.
۲. اختیارات و مسئولیت نهایی تصمیم گیری بر عهده بالاترین شورا در سلسله مراتب نظام آموزش عالی است.
۳. دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی به صورت جداگانه و منفرد، حق برنامه ریزی - درسی و تصمیم گیری در این زمینه ندارند.

۱. Decentralization curriculum development system

۴. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی طبق قانون موظف به اجرای برنامه‌های درسی است که در سطح وزارتخانه مربوطه تهیه شده است.
۵. تصمیماتی که در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مختلف راجع به برنامه ریزی درسی اتخاذ می‌کنند، مشروط به بازنگری و تأیید وزارت مربوطه است و امکان دارد که مورد تأیید و تصویب قرار نگیرد (علاقه بند، ۱۳۷۴).

ب) برنامه ریزی درسی غیر متمرکز

در مفهوم، عدم تمرکز^۱ به معنی میزان تفویض اختیار تصمیم‌گیری تعریف شده است. تعریف علمی مفهوم «عدم تمرکز» عبارت است از: تعداد افرادی که در سطح پایین‌تر از وزارت-خانه تصمیم‌گیری کنند (علاقه بند، ۱۳۷۳، ص ۹۱). براین اساس، برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز شامل آن دسته از برنامه‌های درسی است که در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تهیه می‌شود. بدین ترتیب، اعضای هیأت علمی برحسب مسئولیت و وظیفه خود در فرایند برنامه‌ریزی درسی نقش ایفا می‌نمایند. در نظام غیر متمرکز، اختیارات بیشتری به رؤسا و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها اعطا می‌شود. با اعطای اختیارات به هیأت‌امنا، اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های محل خدمت خود اختیار دارند به طراحی و تدوین برنامه‌های درسی جدید بپردازند و مقامات مرکزی می‌توانند از راه ایجاد رقابت بین آن‌ها به پیشرفت آموزش عالی کشور اقدام کنند و ارتباط بین دانشگاه‌ها بسیار سهل‌تر انجام شود (محمودی، ۱۳۸۳، ص ۶).

یکی از پایه‌های جنبش اصلاحات در قرن بیستم، رویکرد تمرکززدایی در نظام‌های آموزشی است. براساس دیدگاه انجمن بین‌المللی تعلیم و تربیت در فرایند برنامه‌ریزی درسی^۲، تمرکز-زدایی راهبردی جهت انطباق برنامه‌ریزی درسی ملی با شرایط و ویژگی‌های مناطق در مرحله اجرا است. در این مسیر، علاوه بر سیاست‌گذاران، متخصصان آموزشی، می‌توان از والدین، کارکنان، رهبران فکری و اجتماعی، دانشجویان و مداخله‌نیروهای مختلف در سطوح و مراحل گوناگون بهره‌جست. به عبارت دیگر، تمرکززدایی یعنی انتقال قدرت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی درسی از یک سطح بالاتر از قبیل وزارتخانه یا سازمان مستقل آموزشی به یک سطح سازمانی پایین‌تر مانند دانشگاه‌ها است. بیشترین بودجه تمرکززدایی طی دهه‌های ۱۹۸۰

۱ . Decentralization

۲ . Curriculum development process

و ۱۹۹۰ در استرالیا، کانادا، نیوزیلند، اسپانیا، سوئد، بریتانیا و ایالات متحده وجود داشته است (کولینز و زامبون، ص ۱۴۷۱ و ۱۴۰۷).^۱

در اسپانیا تمرکززدایی به منزله رسیدن به سوی دموکراسی دیده می‌شود. براساس مطالعه انجمن بین‌المللی تعلیم و تربیت در ایالت متحده، خود مختاری و استقلال مریان در گروه تمرکززدایی نظام آموزشی است. در انگلستان، ویلز و نیوزیلند، مداخله والدین به عنوان یکی از اهداف تمرکززدایی قلمداد شده است (تایلر و همکاران، ۱۹۹۴، ص ۳).^۲

با استفاده از الگوی غیر متمرکز برنامه‌ریزی درسی، امکان تفویض اختیار در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌ریزی درسی ایجاد می‌شود. هم‌چنین، این الگو جهت هماهنگی بین اختیارات اعضای هیأت علمی و مسئولیت‌های آن‌ها به خصوص در سطح دانشگاه، دانشکده و کلاس درس می‌تواند راهنمای عمل قرار گیرد. علاوه بر این‌ها، الگوی غیر متمرکز امکان بومی کردن برنامه‌های درسی ایجاد و انعطاف در برنامه‌ها را متناسب با توانایی‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای اعضای هیأت علمی، تفاوت‌های فردی دانشجویان و شرایط ویژه اقلیمی از مناطق مختلف، ایجاد می‌کند. در نهایت، فراهم کردن زمینه مشارکت معنادار اعضای هیأت علمی در برنامه‌ریزی درسی و تصمیم‌گیری درباره آن، نیازمند مشارکت فعال مدیران دانشگاه‌ها به عنوان راهبران آموزشی است. نظام برنامه‌ریزی درسی دارای ساختار غیرمتمرکز که در بعضی نظام‌های آموزش عالی مرسوم است، از ویژگی‌های زیر برخوردارند:

۱. برای کنترل نظام‌های برنامه‌ریزی درسی، دستگاه متمرکزی موجود نیست.
۲. هر دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی حق برنامه‌ریزی درسی را دارد.
۳. نظام‌های برنامه‌ریزی درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از لحاظ سازمان و تشکیلات و اختیارات تصمیم‌گیری با یکدیگر تعامل ندارند (علاقه بند، ۱۳۷۴).

محاسن و معایب برنامه‌ریزی درسی متمرکز و غیر متمرکز نظام آموزش عالی

هر کدام از شیوه برنامه‌ریزی درسی متمرکز و غیر متمرکز دارای محاسن و معایب خاص خود می‌باشند. در این‌جا به محاسن و معایب هر یک از شیوه‌های فوق اشاره می‌شود:

۱. Colins and Zambone

۲. Tayler. C. Dianne and Bogotch

محاسن برنامه ریزی درسی متمرکز

۱. برنامه‌ریزی درسی متمرکز، سبب یکنواختی برنامه‌های درسی کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور می‌شود. در این برنامه‌ریزی درسی هماهنگی به خوبی و سریع انجام می‌شود.
۲. برنامه‌ریزی درسی متمرکز باعث صرفه‌جویی در هزینه مراحل مختلف از جمله طراحی، تدوین برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌شود.
۳. برنامه‌ریزی درسی متمرکز موجب می‌شود که مقررات بهتر رعایت شود. در این نوع برنامه‌ریزی درسی، تصمیم‌گیری یکنواخت و همسان است و ارتباطات به صورت منظم صورت می‌گیرد.
۴. در برنامه‌ریزی درسی متمرکز، خط‌مشی‌ها و سیاست‌های کلی نظام آموزش عالی بهتر لحاظ می‌شود.

معایب برنامه‌ریزی درسی متمرکز

۱. در برنامه‌ریزی درسی متمرکز آموزش عالی، به نیازهای منطقه‌ای توجه لازم نمی‌شود.
۲. در برنامه‌ریزی درسی متمرکز استفاده‌کنندگان برنامه‌های درسی از جمله اعضای هیأت علمی و دانشجویان مشارکت لازم را ندارند.
۳. برنامه‌ریزی درسی متمرکز، زمینه شکوفایی قابلیت‌های اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی فراهم نمی‌شود.
۴. برنامه‌ریزی درسی متمرکز، در اجرا انعطاف‌پذیری لازم را برای اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی را فراهم می‌کند.
۵. برنامه‌ریزی درسی متمرکز سبب از بین رفتن رقابت بین دانشگاه‌ها در دستیابی به الگوی برنامه ریزی درسی و فنون آینده‌نگری و انطباق خود با شرایط متغیر و متحول اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

محاسن برنامه ریزی درسی غیر متمرکز

۱. برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز زمینه مشارکت فعال اعضای هیأت علمی، دانشجویان را در مراحل مختلف برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی فراهم می‌نماید.
۲. برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز موجبات توجه نیازهای ملی، منطقه‌ای و محلی را از سوی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی فراهم می‌کند، سبب می‌شود برنامه‌ریزی درسی به صورت واقع بینانه‌تری صورت پذیرد.
۳. برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز، زمینه بروز قابلیت‌ها و توانمندی‌های اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را ایجاد می‌کند.
۴. برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز، موجبات تصمیم‌گیری‌های اجرایی سریع و رضایت‌دینفعان را فراهم می‌نماید.
۵. برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز انعطاف پذیر است.
۶. برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز، زمینه رقابت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را در زمینه برنامه‌ریزی درسی فراهم کند.
۷. در برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز به دلیل نقش مشارکتی اعضای هیأت علمی در امور برنامه‌ریزی درسی، محیط کار برای آنان جذاب شده، جایگاه منزلت و مقام اعضای هیأت علمی ارتقا می‌یابد و شرایط برای رشد و پیشرفت حرفه‌ای آنان مساعدتر می‌شود.

معایب برنامه ریزی درسی غیر متمرکز

۱. در نظام برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز، خط مشی‌ها و سیاست‌های کلی نظام به طور کامل مورد توجه قرار نمی‌گیرد.
۲. در نظام برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز، برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی یکنواخت نخواهد بود. به علاوه، در این نظام هماهنگی به خوبی انجام نمی‌شود.
۳. برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز به منابع مالی و نیروی انسانی متخصص زیادی نیاز دارد؛
۴. در نظام برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز، دانش آموختگان به دلیل تفاوت برنامه‌های-درسی دانشگاه‌ها در آزمون مقاطع بالاتر با مشکل مواجه می‌شوند.
۵. در نظام برنامه‌ریزی درسی غیر متمرکز، نظارت حاکمیت بر برنامه ریزی درسی آموزش عالی مشکل‌تر می‌شود.

تحولات برنامه ریزی درسی آموزش عالی ایران

تحولات برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی را می‌توان به دو دوره عمده قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم بندی نمود:

الف) دوره قبل از انقلاب اسلامی (قبل از سال ۱۳۵۷)

برنامه‌ریزی درسی در تاریخ معاصر و به سبک جدید با تأسیس دارالفنون شکل می‌گیرد. ویژگی کاربردی و معطوف به عمل و ناظر به نیازهای فنی و تخصصی و جامع بودن از خصوصیات مهم برنامه‌های درسی در دارالفنون بوده و از ویژگی‌های مهم دیگر آن، مشارکت آموزش گیرندگان و دانشجویان در تنظیم برنامه‌های درسی می‌باشد. در این دوران نیز عدم استقلال و تأثیر پذیری از سیاست و قدرت حاکم، از خصوصیات مهم برنامه‌ریزی درسی و آموزشی بوده است (گروه مطالعات و نوآوری آموزش عالی، ۱۳۷۸، ص ۳۰۶). با تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳ ش)، آموزش عالی جدید در ایران، رسماً نهادینه شد و برنامه‌ریزی درسی برای آموزش عالی به طور مشخص آغاز شد.

مشخصه اصلی برنامه‌ریزی آموزشی و درسی نظام آموزش عالی قبل از سال ۱۳۵۷ عمدتاً الگوبرداری از برنامه‌های آموزشی دانشگاهی به سبک فرانسوی و امریکایی است. گرچه دانشگاه‌ها در زمینه برنامه‌ریزی‌های آموزشی از استقلال نسبی برخوردار بودند، اما هیچ‌گاه برنامه‌ریزی آموزشی درسی به صورت دانش سازمان یافته مورد توجه مدیران دانشگاهی قرار نگرفته است. هم‌چنین، در این دوره فعالیت‌هایی برای ارزیابی دانشگاه‌ها، پذیرش دانشجویان مستعد، بررسی صلاحیت مدرسان و از همه مهم‌تر ایجاد هیأت امانت در دانشگاه‌ها به عمل آمد که تا اندازه‌ای نشان دهنده مسیری از تمرکزگرایی زیاد به سوی ساخت و انعطاف پذیر و قانون‌مند ساختن روش‌ها و دستوالعمل‌های کاری بود (رحمان سرشت، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳-۱۳۹). اما برنامه‌ریزی رشته‌ها و دروس مربوط، عموماً اهداف، محتوا و سازماندهی دروس عمومی، توجه به بودمان‌های درسی در قالب کهاد و مهاده، روش‌های تدریس و ارایه مطالب و مانند آن از برنامه دانشگاه‌های غربی نسخه برداری شده است. مطالعه خاصی برای انطباق برنامه‌های درسی با شرایط جامعه آن زمان کم‌تر دیده می‌شود. از دلایل عمده چنین حرکتی ممکن است زمینه‌های فلسفی، خاستگاه و هم‌چنین، نحوه شکل‌گیری دانشگاه‌ها در کشور باشد. زمینه‌هایی که در بسیاری از موارد انگیزه‌های سیاسی و ملی‌گرایی داشته است و الگو برداری از

فرایندهای برنامه‌ریزی دانشگاه‌های کشور آمریکا، به ویژه در دو دهه پیش از انقلاب اسلامی آن را به وجود آورده بودند (مهرعلی زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۷).

مشاوران ماوراء بحار که در دهه ۱۳۴۰ به ایران آمدند، در زمینه نظام تعلیم و تربیت ایران به ویژه در زمینه برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها چنین اظهار نظر کردند: «همه برنامه‌هایی که اینک اجرا شده است، خشک و متحجر، صوری و مبتنی بر تحمیل فکر و نظر است. این برنامه بیش از اندازه حجیم و سنگین است و با نیازهای یک جامعه کشاورزی و صنعتی جدید انطباق ندارد و انعطافی که لازمه سازگاری با احتیاجات متنوع گروهی، مرزی و منطقه‌ای و دگرگونی‌های بازار کار است در آن دیده نمی‌شود. درس‌های نظری خشک و صوری و از آن نوعی است که باب اهل مدرسه است و بازندگی و تجربه عملی پیوند قوی ندارد. برای مثال، ممکن است دانشجوی فنی همه فرمول‌های ریاضی در مورد حرکت یک ماشین را حفظی بداند، اما خود هرگز از عهده به کار انداختن آن در عالم واقع برنیاید. نتیجه این وضع آن است که دانشجو به حفظ کتاب و جزوه اکتفا می‌کند و چنان می‌پندارد که علم تنها تصور ذهنی و تکرار زبانی است و از ارزش و اهمیت علم در کار تغییر و تصرف و اصلاح امور جهان غافل است. دیگر آن که برنامه‌ها غالباً تحمیلی و اجباری است و دروس اختیاری مفقود یا محدود است. از این رو، دانشجو نمی‌تواند ترکیبی از دروس که موافق نیازهای او و محیط اوست انتخاب کند. برنامه را مردمان اداری نوشته‌اند که از احتیاجات مختلف و متغیر دنیای علمی آگاهی کافی ندارند. برنامه‌های دانشگاه‌های ایران چنان است که افراد را با علاقه‌ها و رغبت‌ها، ذوق‌ها و استعداد‌های مختلف در الگوی واحد و تنگی فشرده می‌کند و تفاوت شخصیت‌ها را نادیده می‌گیرد و سرانجام این که، برنامه‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران به نحوی افراطی، پرحجم و ثقیل است و در آن مواد بسیار را به هم آمیخته و متراکم می‌کنند و در مدت کوتاه - به گمان آن که خاتمه دوره دانشگاهی، نهایت روزگار تحصیل علم است - تمامی آن مطالب پراکنده را به مغز دانشجویان تحمیل می‌کنند، گویا مسئولان دانشگاهی فراموش کرده‌اند که کار مدرسه و دانشگاه راهنمایی و ایجاد عادات صحیح مطالعه و آموختن شیوه برخورد درست با واقعیات و آیین درست اندیشی است، نه انبار کردن معلومات فراوان در اذهان متعلمان (راسخ، ۱۳۴۷، صص ۱۳۹-۱۳۸).

ب) برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی بعد از انقلاب اسلامی

۱. برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۲)

با پیروزی انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی از ادغام دو وزارت علوم و آموزش عالی و فرهنگ و هنر موجودیت یافت (گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی، ۱۳۷۸، ص ۸۸).

در این دوره با تسلط مدیران معتقد به برنامه‌ریزی متمرکز، نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی غیر متمرکز به طور عمده‌ای در سطح دانشگاه‌ها نادیده گرفته شد و برنامه‌ریزی متمرکز ملی جایگزین آن شد. در این مرحله، با حذف و انحلال هیأت امنای قبل از انقلاب و تشکیل هیئت امنای مرکزی و چند کمیته ویژه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (وزارت فرهنگ و آموزش عالی سابق) گرایش شدیدی به تمرکززدایی پیدا شده است (رحمان سرشت، ۱۳۷۷، ص ۱۹۷). از این رو ستاد انقلاب فرهنگی در مردادماه ۱۳۵۹ تشکیل شد و جهت برنامه ریزی درسی و آموزش شش گروه زیر را تشکیل داد:

۱. گروه پزشکی. ۲. گروه فنی و مهندسی. ۳. گروه علوم پایه. ۴. گروه کشاورزی. ۵. گروه علوم انسانی. ۶. گروه هنر.

گروه‌های فوق براساس نیاز و دامنه فعالیت‌های خود کمیته‌هایی تشکیل دادند. تا ۲۲ بهمن ۱۳۶۱ بیش از ۱۲۰ برنامه آموزشی به تصویب رسید (اکرمی، ۱۳۸۳، ص ۴۷). روشن است که الگوی کار متمرکز و برای سراسر کشور بود.

به دنبال تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی برنامه ریزی به وجود آمد که وظیفه آن تدوین برنامه‌های آموزشی و ابلاغ به دانشگاه‌ها بود (اکرمی، ۱۳۸۳، ص ۴۷).

شورای عالی برنامه‌ریزی طبق مصوبه جلسه فوق العاده مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ شورای انقلاب فرهنگی برای امر برنامه‌ریزی، تدوین، تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی از میان صاحب نظران و استادان باتجربه دانشگاه‌ها با اهداف زیر تشکیل گردید:

ایجاد وحدت و یکپارچگی در نظام آموزش عالی.

رعایت کلیه قواعد و اصول برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی.

ایجاد هماهنگی در برنامه‌های درسی، مقررات آموزشی و تربیت نیروی انسانی.

ایجاد ارتباط بین نهاد تصمیم‌گیری و دستگاه‌های اجرایی.

به روز کردن برنامه‌ها و انطباق آن با نیازهای اجتماعی - اقتصادی کشور. این شورا چندین گروه برنامه ریزی داشت. از مهم‌ترین وظایف شورا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برنامه ریزی درسی تمام مقاطع تحصیلی در رشته‌های مختلف دانشگاهی.
 ۲. بررسی صلاحیت علمی متقاضیان علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور که دارای هیأت ممیزه نیستند.
 ۳. تعیین عناوین رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی در مقاطع مختلف دانشگاهی (دادمربی، ۱۳۷۷، ص ۶۷).
 ۴. تعیین منابع اصلی درسی برای دروس مصوب در برنامه‌های آموزشی.
 ۵. برنامه ریزی آموزشی و درسی به منظور تأسیس یک رشته جدید دانشگاهی و یا حذف رشته‌های غیرضروری.
 ۶. بررسی و اظهارنظر پیرامون برنامه‌های پیشنهادی از طرف نهادها و سایر وزارتخانه‌ها و تعیین ضوابط ایجاد یک رشته تحصیلی.
 ۷. تعیین خطوط کلی برنامه ریزی‌های آموزشی در گروه‌های برنامه ریزی.
 ۸. تعیین سقف واحدهای درسی در همه رشته‌ها و در تمام نظام مختلف آموزش عالی.
 ۹. تعیین محتوای درسی و نظارت بر اجرای دروس عمومی براساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 ۱۰. نظارت بر حسن اجرای برنامه‌ها و مقررات آموزشی (گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری در آموزش عالی، ۱۳۷۸، صص ۹۱-۹۰).^۱
- در سال‌های آخر این دوره، به دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه اختیارات محدودی توسط شورای عالی برنامه‌ریزی تفویض شد و به دانشگاه‌ها اختیار داده شد که ۲۰ تا ۲۴ واحد درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی در مقطع کارشناسی، ۱۸ تا ۲۶ واحد درسی در کارشناسی ارشد و در مقطع دکترا همه واحدهای درسی خود را رسماً تصویب کنند و پیش از اجرا به تصویب شورای دانشگاه و سپس به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی برسانند (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۸).
- شورای عالی برنامه ریزی تا پایان سال ۱۳۷۹ عهده‌دار امور فوق بود و از سال ۱۳۸۰ در شورای گسترش آموزش عالی ادغام گردید.

^۱. برای آگاهی بیشتر از عملکرد شورای عالی برنامه‌ریزی در طول فعالیت به مجموعه مصوبات آن شورا مراجعه نمایید.

۲. برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی از سال ۱۳۷۲ تا کنون

دوره تغییر ساختاری و گرایش به عدم تمرکز از سال ۱۳۷۲ شروع شده است و تا حال حاضر ادامه دارد. در این دوره با توجه به شناختی که مدیران سطوح بالای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از برنامه پنجساله اول بعد از انقلاب به دست آوردند. هم چنین، حجم مشکلاتی که دانشگاهیان در اجرای برنامه های ارسالی وزارت خانه داشتند، تصمیم گرفته شد که به تدریج به سمت برنامه ریزی در سطح دانشگاه ها قدم برداشته شود. در این خصوص در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از مدیران دانشگاه ها خواسته شد که برنامه های توسعه ای تهیه کنند. در نتیجه، در تعداد واحدهای درسی تغییراتی صورت گرفت و اختیارات محدودی برای تدوین و تفسیر بعضی از برنامه های درسی به دانشگاه های دارای هیأت ممیزه واگذار شد (مهرعلی زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۶۹). بدین ترتیب، چالش های دو دهه اخیر کشور و تغییرات وسیع ناشی از آن و هم چنین، با پذیرش این اصل راهبردی که مهم ترین مزیت نسبی در قرن آینده، دانش و اطلاعات و اساس پیشرفت و توسعه همه جانبه انسانی است، ماموریت های جدید را برای نهاد دانشگاه ترسیم کرده است. از این رو تجدیدنظر و اصلاح در ساختار آموزش عالی برای ایفای نقش مؤثر دانشگاه ها در تولید دانش و پاسخگویی به نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه امروز و فردای ایران به عنوان رویکردی نوین در مدیریت و برنامه ریزی آموزشی مورد نظر قرار گرفته است.

برای فراهم آوردن عوامل و زمینه های لازم در جهت ایجاد ساختار نوین و مناسب دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، همان گونه که در برنامه سوم توسعه کشور تأکید شده است (سازمان برنامه و بودجه (۸۳-۱۳۷۹) ماده ۹۶)، باید ساختار آموزش عالی همگام با تحولات علمی بین المللی و هم زمان با اصلاح و پیشرفت عناصر درون دانشگاه و بهبود شرایط بیرونی به تدریج اصلاح و با برنامه ریزی همه جانبه و مناسب متحول شود. این بدان معنا است که نهاد دانشگاه برای پذیرش مسئولیت های جدید و ورود موفق به سده آینده و هم چنین ارائه خدماتی کارآمد در سال های نخستین سده آتی به نهادهای اجتماعی و اقتصادی و به عنوان یک نهاد پویای علمی باید موانع و فرصت ها را تشخیص دهد، چشم اندازهایی از آینده ترسیم کند به گمانه زنی هایی مبتنی بر واقعیت ها و تحولات احتمالی آینده بپردازد و سیستم ها و روش های مدیریتی را اصلاح کند و توسعه دهد.

اصلاح سازمانی در نظام آموزش عالی، یکی از سیاست‌های راهبردی برنامه سوم توسعه در بخش آموزش عالی است. بر همین اساس، در ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه، «به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی و تحقیقاتی کشور»، با افزوده شدن «وظایف برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری» به وظایف وزارت فرهنگ و آموزش عالی سابق، تغییر نام این وزارت‌خانه به «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» مورد توجه قرار گرفته است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۶۸).

در ساختار جدید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، امور سیاست‌گذاری، هماهنگی، نظارت ارزیابی و پشتیبانی از علوم، تحقیقات و فناوری، به صورت متمرکز به وزارت‌خانه و امور اجرایی به صورت غیرمتمرکز به دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و دستگاه‌های اجرایی ذیربط واگذار شده است (محمدنژاد عالی، صالحی، ۱۳۸۳، ص ۳۷). از این رو با استناد به سیاست‌های برنامه سوم توسعه و به منظور حرکت در جهت نهادینه کردن مشارکت دانشگاه‌ها در مدیریت آموزش عالی، تمرکززدایی و ارتقای کیفیت آموزش عالی، اختیارات برنامه‌ریزی درسی با اهداف زیر به دانشگاه‌های واجد شرایط وابسته به وزارت علوم، تحقیقات، فناوری با اهداف واگذار شده است: (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹، ص ۱).

الف) انطباق هر چه بیشتر برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه.

ب) نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها.

ج) روزآمد شدن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشری.

د) تناسب بیشتر برنامه درسی با امکانات و توانایی‌های دانشگاه‌ها.

بر اساس اختیارات مذکور، دانشگاه‌ها می‌توانند بر اساس نیازهای جامعه و تحولات علمی روز، پیشنهاد ایجاد رشته‌های جدید را همراه با گزارش توجیهی ضرورت ایجاد رشته و امکان اجرای آن به شورای عالی برنامه‌ریزی ارائه نمایند. پس از تصویب عنوان رشته جدید، دانشگاه می‌تواند با رعایت مفاد این آیین‌نامه، برنامه درسی آن رشته را تدوین و پس از اخذ مجوز از شورای گسترش آموزش عالی به اجرا در آورد. هم‌چنین، دانشگاه‌ها می‌توانند در چارچوب آیین‌نامه‌های آموزشی دوره‌های تحصیلی، مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی نسبت به بازنگری، حذف، ادغام، جایگزینی و تغییر دروس رشته‌های موجود در آن دانشگاه اقدام کنند

(همان منبع، ص ۱). براساس آیین نامه تفویض اختیارات دانشگاه ها در فرایند تدوین برنامه درسی باید اصول زیر را مد نظر قرار دهند:

الف) اصول و روش های علمی برنامه ریزی درسی را رعایت کنند.

ب) از بررسی های کارشناسی و یا رشته های پژوهشی بهره گیرد.

ج) از هم فکری و مشارکت صاحب نظران سایر دانشگاه ها و بخش های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور حسب مورد استفاده کند.

در طراحی، ارزیابی و تصویب برنامه های درسی، معیارهای زیر باید مورد توجه برنامه ریزان درسی در دانشگاه ها قرار گیرد (همان منبع):

الف) انطباق با ارزش ها، هدف و راهبردهای کلی کشور.

ب) پاسخگویی به نیازهای جامعه.

ج) هماهنگی با تحولات علمی روز.

د) گسترش و تعمیق فرهنگ پژوهش.

ه) ایجاد روحیه خلاقیت و کارآفرینی در دانش آموختگان.

و) ایجاد قابلیت و مهارت های فهم برای ورود به جامعه و بازار کار.

هم چنین، در آیین نامه تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی تأکید شده است که تدوین برنامه درسی هر رشته (اعم از رشته های جدید و رشته های موجود) در دانشگاه باید طی مراحل زیر صورت پذیرد:

الف) تدوین برنامه درسی توسط گروه آموزشی با مشارکت و تأیید حداقل ۵ نفر عضو هیأت علمی با مدرک دکترا در رشته مربوط.

ب) بررسی و تصویب برنامه در شورای دانشگاه.

ج) ابلاغ برنامه توسط رئیس دانشگاه به دانشکده مربوط جهت اجرا (همان منبع، ص ۲).

دانشگاه ها می توانند قبل از طرح برنامه درسی در شورای دانشگاه از نظرات کمیته ها، شورای دانشگاه و صاحب نظران مختلف استفاده کنند.

دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی فاقد هیأت ممیزه می توانند برنامه های مصوب شورای عالی برنامه ریزی یا برنامه های مصوب دانشگاه های دارای هیأت ممیزه را اجرا کنند.

مسئولیت نظارت بر حسن اجرای آیین نامه تفویض اختیارات به دانشگاه ها به عهده معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می باشد (همان منبع، ص ۳).

بی‌توجهی به برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی چه در دوره‌ای که دانشگاه‌ها از استقلال نسبی برخوردار بوده (قبل از سال ۱۳۵۷) و چه در سال‌هایی که رویکرد تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی حاکم بوده است، گویای این واقعیت است که استقلال نظام آموزش عالی مورد بی‌توجهی قدرت‌های رسمی و غیررسمی، مسئولان سیاسی و دولت‌های وقت قرار گرفته است. در واقع، به دلیل سیاست زدگی غیر متعارف و زیاد دانشگاه‌ها، در دوره سیاسی همواره مترصد این بوده است که آموزش عالی را مطابق اهدافی خاص کنترل و اداره کنند. بخش زیادی از این رویکرد ممکن است به نوع نگرش دولت‌های وقت در زیر سلطه گرفتن و مهار نیروهای دانشگاهی و کم‌رنج ساختن کنش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دانشگاه مربوط بوده است، چرا که دانشگاه همواره در تحولات اجتماعی، سیاسی و علمی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد که اهمیت دادن به نقش اجتماعی، فرهنگی دانشگاه و مستقل ساختن نیروهای دانشگاهی موقعیت مناسبی برای جایگزینی ارزش‌ها و نگرش‌های کلیشه‌ای و در مواردی نامتناسب با نیازهای روز جامعه فراهم می‌سازد. بنابراین، می‌توان گفت که برنامه‌ریزی دانشگاه‌ها در سال‌های گذشته به طور زیادی متأثر از فرایندهای سیاسی و نفوذ سیاست‌مداران در دانشگاه بوده است، به گونه‌ای که دانشگاه کم‌تر توانسته است نقش فعالی در برنامه ریزی‌های خود و تحقق رسالت علمی، اجتماعی و سیاسی اش نسبت به جامعه ایفا کند. تجربه‌ای که از دوره‌های برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی قبل و بعد از انقلاب اسلامی حاصل می‌شود، گذر از یک نظام برنامه‌ریزی درسی نسبتاً مستقل دانشگاهی (دوره قبل از انقلاب)، به نظام متمرکز افراطی (بعد از انقلاب از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۲) و سرانجام، حرکت به سمت تفویض اختیارات نسبی برای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی (از سال ۱۳۷۲ تا کنون) است.

اقدامات انجام‌شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در راستای تمرکززدایی و افزایش اختیارات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی

اقدامات انجام‌شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در خصوص اختیارات بیشتر به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در امور آموزشی و پژوهشی بدین قرارند:

- تصویب و ابلاغ آیین‌نامه تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی و آموزشی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی دارای هیأت ممیزه مرکزی.
- ایجاد هیأت‌های ممیزه در دانشگاه‌ها به منظور رسیدگی به صلاحیت علمی متقاضیان استخدام در دانشگاه‌ها به عنوان عضو هیأت علمی.

- تفویض بررسی و تصمیم گیری در مورد انتقال و افزایش سنوات تحصیلی مجاز دانشجویان دوره تحصیلی کارشناسی ارشد به کمیسیون موارد خاص دانشگاه‌ها.
- تفویض بررسی و تصمیم گیری در مورد انتقال و افزایش سنوات تحصیلی مجاز دانشجویان دوره تحصیلی کارشناسی ارشد به کمیسیون موارد خاص دانشگاه‌ها.
- تفویض اختیارات کمیته انتقال معاونت دانشجویی وزارت علوم، به کمیسیون موارد خاص دانشگاه‌ها.
- افزایش اختیارات کمیسیون موارد خاص دانشگاه‌ها در خصوص افزایش سنوات مجاز تحصیلی دانشجویان دوره های تحصیلی کاردانی و کارشناسی.
- تفویض اختیار بررسی از تعهد آموزش رایگان دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.
- تفویض اختیار تشکیل کمیسیون بررسی موارد خاص به بیش از ده مؤسسه آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی (محمدنژاد عالی زمینی، صالحی، ۱۳۸۳، ص ۷۱).

اقدامات انجام شده در زمینه تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی به دانشگاه‌ها

تفویض برنامه ریزی درسی به دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه مستقل.

تغییر و تحول در برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای جامعه.

بازنگری، اصلاح و تکمیل مستمر برنامه‌های درسی.

تلاش در جهت برقراری رابطه بین برنامه‌های آموزشی و درسی با نیازهای فعلی و آینده جامعه. ایجاد و تحول در برنامه ریزی و شیوه‌های آموزشی با تکیه بر پرورش خلاقیت، کارآفرینی و کارآیی دانش‌آموختگان و آماده نمودن دانش‌آموختگان برای مواجهه با مسایل و نیازهای جامعه.

ایجاد رابطه بین برنامه ریزی آموزش عالی و برنامه ریزی نیروی انسانی کشور.

تهیه و اجرای طرح‌های جامع مؤسسات آموزش عالی کشور.

اجرای طرح برنامه ریزی راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

نظارت بر تدوین و اجرای برنامه چهار ساله دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.

تدوین برنامه آموزشی و مأموریت ده ساله دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (حیدری، ۱۳۸۳، ص ۲۴۰).

در راستای تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی، در برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی، فرهنگی (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹) ردیف متمرکز اعتباری (به شماره ۱۱۳۵۱۳) به منظور طرح بازنگری

برنامه های درسی رشته های تحصیلی از سوی سازمان مدیریت، برنامه ریزی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تخصیص داده شده است. در طرح بازنگری برنامه درسی رشته های تحصیلی معیارها، روش های اجرایی و نتایج مورد نظر طرح مذکور از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعیین گردیده است که دانشگاه ها باید به هنگام اجرای طرح بازنگری برنامه های درسی موارد برشمرده زیر را مد نظر قرار دهند:

الف) معیارها

- پرورش مهارت های لازم (ارتباطی - شناختی و ...) در دانشجویان برای ورود به جامعه و بازار کار.
- توجه به تحولات علمی روز در تدوین برنامه های درسی.
- توجه به اصول یادگیری مستمر و مادام العمر.
- توجه به امر تحقیق و پژوهش در جریان آموزش.
- توجه به نیازها و علایق دانشجویان.
- ایجاد زمینه مناسب برای ظهور و بروز خلاقیت در دانشجویان.

ب) روش های اجرایی

- جست و جوی اطلاعات از طریق منابع اطلاعاتی و آگاهی از چارچوب درسی گرایش های رشته های تحصیلی مربوط در دانشگاه های جهان.
- بهره گیری از نظریات دانشجویان تحصیلات تکمیلی، دانش آموختگان و کاربران.
- بهره گیری از نظرات اعضای هیأت علمی، انجمن های علمی و تخصصی و سمینارهای تخصصی.

ج) نتایج

- بازنگری ساختار علمی برنامه درسی رشته های تحصیلی.
- بازنگری دروس اصلی - تخصصی و اختیاری برنامه های درسی، به نحوی که دروس غیرضروری حذف و دروس کارآمد و مورد نیاز به آنها اضافه شود.
- بازنگری در تعداد و نوع دروس هر یک از گرایش ها.
- بازنگری در فهرست مطالب دروس پیش بینی شده در برنامه درسی.
- بازنگری در منابع درسی.

- اراییه روش تدریس و امکانات موردنیاز برای اراییه درس (اعم از وسایل کارگاهی، آزمایشگاهی، تجهیزات آموزشی و کمک آموزشی، بازدیدها و ...).
- مشخص نمودن این که دانشجویان پس از گذراندن این برنامه درسی چه مهارت‌ها و کارایی را کسب خواهند کرد و این مهارت‌ها پاسخ‌گوی کدام نیاز خواهد بود.
- تدوین شرح دروس جدید همراه سرفصل و جدیدترین مراجع (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹).

از سال ۱۳۷۹ تا پایان سال ۱۳۸۳ بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی، به شرح جدول صفحات بعد به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی واگذار گردیده است (دفتر نظارت و ارزیابی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳).

جدول شماره ۱: وضعیت تفویض بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به تفکیک نوع دانشگاه، سال و تعداد رشته (۸۳-۱۳۷۹)

ردیف	دانشگاه‌ها	سال	تعداد	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	جمع
				رشته	رشته	رشته	رشته	رشته	
۱	دارای هیأت ممیزه	۷۸	۵۴	۱۱۵	۵۷	۵۹	۳۶۳		
۲	سایر دانشگاه‌ها	۵	۱	۱۰	۳	۱	۲۰		
	جمع	۸۳	۵۵	۱۲۵	۶۰	۶۰	۳۸۳		

جدول شماره ۲: وضعیت تفویض بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به تفکیک گروه‌های آموزشی (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

ردیف	گروه‌های آموزشی	سال	تعداد	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	جمع
				رشته	رشته	رشته	رشته	رشته	
۱	فنی و مهندسی	۲۶	۱۹	۳۴	۱۶	۱۵	۱۱۰		
۲	علوم انسانی	۴۱	۱۴	۴۶	۱۸	۱۹	۱۳۸		
۳	کشاورزی	۶	۸	۱۸	۵	۱۵	۵۲		
۴	علوم پایه	۹	۷	۱۶	۱۵	۹	۵۶		
۵	هنر	۷	۶	۹	۵	-	۲۷		
	جمع	۸۹	۵۴	۱۲۳	۵۹	۵۸	۳۸۳		

جدول شماره ۳: وضعیت تفویض بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به تفکیک مقاطع تحصیلی (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

ردیف	مقاطع تحصیلی	سال تعداد	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	جمع
			رشته	رشته	رشته	رشته	رشته	
۱	کارشناسی	۸۹	۲۲	۳۷	۱۱	-	۱۵۹	۱۵۹
۲	کارشناسی ارشد	-	۳۲	۸۶	۴۸	۶	۱۷۲	۱۷۲
۳	دکتر	-	-	-	-	۵۲	۵۲	۵۲
جمع		۸۹	۵۴	۱۲۳	۵۹	۵۸	۳۸۳	۳۸۳

جدول شماره ۴: وضعیت تفویض بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به تفکیک دانشگاه‌های مستقر در تهران و شهرستان‌ها (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

ردیف	نام دانشگاه	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	جمع رشته‌ها
		رشته	رشته	رشته	رشته	رشته	
۱	تهران	۲۷	۷	۱۵	۱۷	۱۷	۸۳
۲	صنعتی شریف	۱۱	۵	۸	۵	۴	۳۳
۳	علامه طباطبائی	۱۰	۵	۱۲	۴	۲	۳۳
۴	شهیدبهشتی	۵	۳	۱۱	۴	۲	۲۵
۵	صنعتی امیرکبیر	۴	۷	۶	۲	۵	۲۴
۶	هنر تهران	۴	۲	۵	-	-	۱۱
۷	علم و صنعت ایران	۶	۳	۳	۵	۲	۱۹
۸	صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی	۱	-	۱	۱	-	۳
۹	تربیت معلم تهران	۱	۳	۲	۳	۲	۱۱
۱۰	الزهرا(س)	۱	-	۱	۲	-	۴
۱۱	انجمن مهندسی شیمی ایران	۱	-	-	-	-	۱
۱۲	انجمن معارف اسلامی	۱	-	-	-	-	۱
۱۳	تربیت مدرس	-	۳	۹	۴	۸	۲۴
۱۴	پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران	-	-	۱	-	-	۱
جمع		۷۲	۳۸	۷۴	۴۶	۴۲	۲۷۳

جدول شماره ۵: وضعیت تفویض بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به تفکیک دانشگاه‌های مستقر در شهرستان‌ها (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

ردیف	نام دانشگاه	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	جمع رشته‌ها
		رشته	رشته	رشته	رشته	رشته	
۱	مرکز تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان	-	-	-	-	۱	۱
۲	بین المللی امام خمینی (ره)	-	-	۱	-	-	۱
۳	فردوسی مشهد	۷	۵	۴	۱	۱	۱۸
۴	صنعتی اصفهان	۲	۴	۶	-	۳	۱۵
۵	تبریز	۲	۱	۶	۳	۳	۱۵
۶	شیراز	۶	۳	۷	۴	۳	۲۳
۷	اصفهان	-	۲	۵	۱	-	۸
۸	شهید باهنر کرمان	-	۱	۲	-	-	۳
۹	هنر اصفهان	-	۱	-	۱	-	۲
۱۰	گیلان	-	-	۲	-	-	۲
۱۱	شهید چمران اهواز	-	-	۴	۱	۴	۹
۱۲	بوعلی سینا	-	-	۲	-	-	۲
۱۳	ارومیه	-	-	۲	-	-	۲
۱۴	گرگان	-	-	۱	-	-	۱
۱۵	یزد	-	-	۱	-	-	۱
۱۶	رازی	-	-	۲	۱	-	۳
۱۷	هرمزگان	-	-	۴	-	۱	۱
	جمع	۱۷	۱۷	۴۹	۱۲	۱۵	۱۱۰

جدول شماره ۱

این جدول بیانگر آن است که از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ تعداد ۳۸۳ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی برای بازنگری به دانشگاه‌ها واگذار شده است. بازنگری تعداد ۳۶۳ برنامه درسی به دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه و ۲۰ برنامه درسی به سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی واگذار شده است.

جدول شماره ۲

این جدول وضعیت واگذاری بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی را از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ به تفکیک گروه‌های آموزشی نشان می‌دهد. در مجموع ۳۸۳ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی در گروه‌های مختلف آموزشی برای بازنگری به دانشگاه واگذار شده است. از این تعداد ۸۹ برنامه درسی در سال ۱۳۷۹، ۵۴ برنامه درسی در سال ۱۳۸۰، ۱۲۳ برنامه درسی در سال ۱۳۸۱، ۵۹ برنامه درسی در سال ۱۳۸۲ و ۵۸ برنامه درسی در سال ۱۳۸۳ برای بازنگری به دانشگاه‌ها واگذار شده است. از نظر گروه‌های آموزشی به ترتیب گروه علوم انسانی ۱۲۸، فنی و مهندسی ۱۱۰، علوم پایه ۵۶، کشاورزی ۵۲ و گروه هنر ۲۷ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی گروه‌های فوق را در بر می‌گیرد.

جدول شماره ۳

جدول شماره ۳ وضعیت واگذاری بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ به تفکیک مقاطع تحصیلی نشان می‌دهد. از مجموع ۳۸۳ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی که برای بازنگری به دانشگاه‌ها واگذار شده است، به ترتیب مقاطع کارشناسی ۱۵۹، کارشناسی ارشد ۱۷۲ و دکتری ۵۲ برنامه درسی را شامل می‌شود. در سال ۱۳۸۱ بیشترین حجم برنامه درسی (۱۲۳) برای بازنگری به دانشگاه‌ها واگذار شده است.

جدول شماره ۴

جدول شماره ۴ بیانگر آن است که از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳، تعداد ۲۷۲ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی برای بازنگری به دانشگاه‌های مستقر در تهران واگذار شده است. دانشگاه تهران با ۸۳ مورد بیشترین و دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی با ۳ مورد کم‌ترین برنامه درسی رشته‌های تحصیلی را برای بازنگری داشته‌اند.

جدول شماره ۵

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳، در مجموع ۱۱۰ برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی مستقر در شهرستان‌ها واگذار شده است. دانشگاه شیراز ۲۳ مورد، دانشگاه فردوسی مشهد ۱۸ مورد، دانشگاه صنعتی اصفهان ۱۵ مورد، دانشگاه تبریز ۱۵ مورد و سایر دانشگاه‌ها بین ۱ تا ۸ مورد برنامه درسی رشته‌های تحصیلی را مورد بازنگری قرار داده‌اند.

مسائل و مشکلات تفویض اختیارات برنامه ریزی درسی دانشگاه‌ها

۱. یکی از مسائل و مشکلات عمده تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب برای پیاده‌سازی فرایند برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز می‌باشد.
۲. از مشکلات دیگر، می‌توان به کمبود نیروی متخصص و کارآمد در حوزه برنامه‌ریزی درسی و دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی اشاره کرد.
۳. یکی دیگر از مسائل و مشکلات اساسی در تفویض اختیارات برنامه‌ریزی به دانشگاه‌ها، عدم رعایت کامل اصول علمی برنامه‌ریزی درسی در مراحل طراحی، تدوین و بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاه‌ها می‌باشد.
۴. کمبود منابع مالی از نظر مسائل و مشکلات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی در فرایند بازنگری برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی می‌باشد.
۵. با توجه به این که اختیارات برنامه‌ریزی درسی صرفاً به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی عالی دارای هیأت ممیزه واگذار شده است، سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در این خصوص با مشکل مواجه می‌باشند.
۶. نبود الگوی برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی که به عنوان راهنمای عمل مورد استفاده دست‌اندرکاران برنامه‌ریزان درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی قرار گیرد.
۷. نبود فرایند نظارتی از سوی وزارت علوم تحقیقات و فناوری برای ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در خصوص تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به آن چه گفته شد، برنامه‌های درسی، آیینة نقش‌ها و اهداف آموزش عالی به شیوة بسیار دقیق‌اند، زیرا یکی از عوامل شکست برنامه‌ریزی‌ها در حیطه‌های مختلف، از جمله آموزش عالی، انعطاف ناپذیری آن‌ها، فقدان تحلیل عمقی و همه‌جانبه‌نگر از وضعیت گذشته و موجود سازمان‌ها از جمله دانشگاه بوده است. تحلیل، شناسایی، فهم و توضیح وضعیت گذشته و موجود دانشگاه وسیله مناسبی برای تشخیص پویایی آن است (یمنی، ۱۳۸۲، ص ۷۷). بررسی وضعیت گذشته و موجود فرایند برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه، از جهات مختلف برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی را تسهیل می‌کنند، زیرا از این طریق:

۱. ساز و کارهای فرایند برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شناسایی می‌شود.
 ۲. زیرساختار (شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها) مناسبی برای فرایند برنامه‌ریزی درسی فراهم می‌شود.
 ۳. داده‌ها و اطلاعات جدید برای فرایند برنامه‌ریزی دانشگاهی به وجود می‌آید.
 ۴. خصوصیات فرایند برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی شناسایی می‌شود.
 ۵. موارد اختلال در عملکرد فرایند برنامه‌ریزی درسی دانشگاه‌ها شناسایی می‌شود.
- اطلاعات حاصل از موارد فوق، زمینه را برای هدایت فرایند برنامه‌ریزی درسی دانشگاه هموار می‌سازد. بیان رسالت، اهداف، استراتژی و مقاصد دانشگاه، هم از بعد کاری و هم از بعد عملی، بدون شناسایی وضعیت دانشگاه در گذشته و حال ناممکن است. از این رو، برنامه درسی دانشگاه محور^۱ اقتضاء می‌کند که تصمیم‌های مربوط به مراحل برنامه‌ریزی درسی از جمله طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه درسی، به جای اینکه در بیرون از دانشگاه گرفته شود و به دانشگاه تحمیل شوند، در دانشگاه و جامعه پیرامون آن اتخاذ شوند. براین اساس، لازم است وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اختیارات لازم را برای برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی تفویض نماید. افزون براین، دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی درسی باید نظریه‌ها، نوآوری‌های موجود و فرایند برنامه‌ریزی درسی برخی از دانشگاه‌های پیشرفته جهان را مورد مطالعه قرار دهند و باتوجه به فرهنگ بومی و شرایط اجتماعی جامعه ایران، از الگو، تجارب و رهیافت‌های دانشگاه‌های سایر کشورها برای حل معضلات برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی در ابعاد کمی و کیفی بهره‌گیری کنند. این کار باعث می‌شود

۱. University – Based Curriculum Development (UBCD)

نگرش واقع‌بینانه‌تر و عمیق درباره پیچیدگی فرایند برنامه‌ریز درسی دانشگاهی به عنوان یک سیستم آموزشی داشته باشیم و بتوانیم استراتژی‌های فرایند برنامه ریزی درسی و دانش نظری مرتبط را تحلیل کنیم.

حاصل کلام آن که برنامه ریزی درسی در نظام آموزش عالی تاکنون فرازو نشیب‌های زیادی را پشت سر نهاده است. تجربه‌ی که از دوره‌های برنامه ریزی درسی دانشگاهی قبل و بعد از انقلاب اسلامی حاصل می‌شود، گذر از یک نظام برنامه ریزی درسی نسبتاً مستقل دانشگاهی (دوره قبل از انقلاب) به نظام متمرکز افراطی (بعد از انقلاب از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۲) و سرانجام به سمت واگذاری اختیارات نسبی برای برنامه ریزی دانشگاهی (از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۱) و براساس مصوبه ۱۳۷۹/۲/۱۰ واگذاری اختیارات کامل برای برنامه ریزی درسی (۱۳۷۹ تا کنون) به دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه است.

پیشنهادها

۱. یکی از راهکارهای اصلی در عصر حاضر، خروج نظام آموزش عالی از بن بست تمرکززدایی و متناسب کردن آن با تغییر و تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مقتضیات جهانی و پیشرفت‌های حوزه‌های دانش و علم می‌باشد. در این رابطه، لازم و ضروری است که چالش‌ها، تنگناها، امکانات و قابلیت‌های نظام آموزش عالی مورد مطالعه قرار گیرد. به علاوه تمرکززدایی بایستی فراتر از یک استراتژی، بلکه به عنوان یک رسالت اصلی مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی به ویژه در حوزه برنامه‌ریزی درسی نظام آموزش عالی کشور مورد توجه قرار گیرد.
۲. با توجه به این که دستیابی اعضای هیأت علمی، صلاحیت‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای زمینه مشارکت آن‌ها را در زمینه برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی فراهم می‌کند. بنابراین، باید افزایش توان‌مندی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای اعضای هیأت علمی به عنوان یک سیاست راهبردی جهت تدارک زمینه مشارکت آنان در فرایند برنامه ریزی درسی دانشگاه، مورد توجه قرار گیرد.
۳. باور این که اعضای هیأت علمی همواره درگیر چالش‌های مرتبط با برنامه‌درسی می‌باشند و از طریق تحقیق و پژوهش می‌توان روند تصمیم‌گیری در فرایند برنامه‌ریزی درسی را تسهیل نمود.

۴. تغییرات ساختاری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با توجه به شرایط عدم تمرکز برنامه ریزی درسی.
۵. پیش‌بینی و در اختیار قرار دادن اعتبارات مورد نیاز دانشگاه‌ها برای تدوین، اصلاح و بازنگری برنامه درسی.
۶. تشکیل کارگاه‌های آموزشی برای دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی درسی دانشگاه‌ها در مورد نظام غیرمتمرکز به طور عام، و برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز به طور خاص.
۷. بازنگری قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های با توجه به نظام غیرمتمرکز.
۸. طراحی یک نظام ارزیابی کارآمد از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به منظور ارزیابی عملکرد فرایند برنامه ریزی غیرمتمرکز در دانشگاه‌ها.
۹. تهیه و ارائه یک الگوی برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی به منظور استفاده دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی.

منابع

- ۱- آقازاده، محرم. خسروی، علی اکبر (۱۳۸۴). دست نامه برنامه ریزی آموزشی غیرمتمرکز، تهران: یونسکو.
- ۲- آل آقا، فریده، تیرگر، هدایت (۱۳۸۱). مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران: انتشارات سنجش.
- ۳- ایزدی، صمد (۱۳۸۳). نقش مشارکتی معلمان در تمرکززدایی از فرایند برنامه ریزی درسی، مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، جلد چهارم.
- ۴- حیدری، احمد (۱۳۸۳)، بررسی اهداف و عملکرد برنامه های توسعه آموزش عالی ایران، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- ۵- دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی (۱۳۷۹). گزارش عملکرد طرح بازنگری محتوای برنامه درسی رشته تحصیلی دانشگاه ها، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۶- دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی (۱۳۸۰). گزارش عملکرد طرح بازنگری محتوای برنامه درسی رشته تحصیلی دانشگاه ها، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۷- دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی (۱۳۸۱). گزارش عملکرد طرح بازنگری محتوای برنامه درسی رشته تحصیلی دانشگاه ها، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۸- دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی (۱۳۸۲). گزارش عملکرد طرح بازنگری محتوای برنامه درسی رشته تحصیلی دانشگاه ها، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۹- دفتر نظارت و ارزیابی آموزش عالی (۱۳۸۳). گزارش عملکرد طرح بازنگری محتوای برنامه درسی رشته تحصیلی دانشگاه ها، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۱۰- رحمان سرشت، حسین (۱۳۷۷). کنترل دولتی آموزش عالی در جمهوری اسلامی؛ فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۱ و ۲، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- ۱۱- راسخ، شاپور (۱۳۴۷). تعلیم و تربیت در جهان امروز، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- شورای عالی برنامه ریزی (۱۳۷۹). آیین نامه تفویض اختیاری برنامه ریزی درسی به دانشگاه ها مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۰، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ۱۳- علاقه بند، علی (۱۳۷۳). اصول مدیریت آموزشی. تهران: انتشارات بعثت.

- ۱۴- فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۸۳). «یادداشت سردبیر» خبرنامه داخلی انجمن برنامه ریزی درسی ایران».
- ۱۵- لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۸۳-۱۳۷۹). فصل ۱۱، ماده ۹۶. انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۶- محمدنژاد زمینی، یوسف؛ صالحی، محمدجواد، (۱۳۸۲). گزارش ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۸۲. تهران: مؤسسه پژوهش برنامه ریزی آموزش عالی.
- ۱۷- محمودی، رضا (۱۳۸۳). بررسی عملکرد سازمان آموزش و پرورش شهر تهران، پیرامون تمرکززدایی و موانع موجود در توسعه آن. تهران: سازمان آموزش و پرورش شهر تهران.
- ۱۸- مهرعلی زاده، یداله (۱۳۸۳). آیا اصلاحات آموزش عالی ایران در جهت تحولات جهانی شدن است؟ مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار. جلد دوم. تهران. مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی و انجمن آموزش عالی ایران.
- ۱۹- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۷۹). دستورالعمل اجرایی طرح بازنگری برنامه درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی.
- ۲۰- یمنی دوری سرخابی، محمد (۱۳۸۲). «برنامه ریزی توسعه دانشگاهی: نظریه ها و تجربه ها». تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.
۲۱. Sabar, N. (۱۹۹۴), Curriculum Development At School Level in international Encyclopedia of Education.
۲۲. Sabar, N. (۱۹۹۷). Curriculum Development Centers, in International Encyclopedia of Education, ven.
۲۳. Tayler, L. Dianne and Bogoton irae (۱۹۹۴) school level Efect of teachers participation in Decision Making. Education Evaluation and policy analysis, volfo, No.۳.
۲۴. Altbach PG (۱۹۸۸) Comparative Studies in higher education in postlethwaite TN (ed) the Encyclopedia of comparative Education and National system of Education perfamon, expord.